

کام‌خواهی شغلی دانشجویان، به‌سوی یک نظریه زمینه‌ای

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/jeds.2024.59069.1767

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲

شکیلا مرادی*
علی روحانی^۲
سیدعلیرضا افشانی^۳

چکیده

امروزه اقتصاد بیش‌ازپیش در کانون زندگی مردم قرار گرفته و به‌صورت دغدغه‌ای همیشگی درآمده است. به‌گونه‌ای که حتی نوجوانان و جوانان نیز از این قائده مستثنی نبوده و خانواده‌ها چنین دغدغه‌هایی را حتی در سنین کودکی در فرد رواج می‌دهند. درواقع، زیست جهان کودک و نوجوان خواه ناخواه درگیر مسائل اقتصادی گشته و در سنین پایین‌تر مجبور به برنامه‌ریزی برای قبولی در رشته‌های به‌اصطلاح موفق و پول‌ساز می‌شود. این وضعیت شرایط خاصی را برای کنش‌گران به‌وجود می‌آورد که اولین پیامد آن رواج دغدغه‌های فراگیر در بین نوجوانان و جوانان است. به‌همین منظور، پژوهش حاضر با هدف بررسی فرایند شکل‌گیری دغدغه‌های شغلی دانشجویان نرورد به دانشگاه، طراحی شد و با استفاده از روش‌شناسی کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای (سیستماتیک)، بر اساس نمونه‌گیری نظری مصاحبه‌های عمیق با ۲۰ نفر از دانشجویان نرورد به دانشگاه یزد انجام شد. دراین مسیر داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. مقولات اصلی کشف شده شامل پول‌سالاری شغلی، کام‌خواهی شغلی، تقدیرگرایی شغلی، همبستگی سرمایه تلاش درآمد و ... بودند. بر اساس مقولات اصلی مدل پارادایمی (کدگذاری محوری) ارائه گشت و در پایان نظریه تجربی (کدگذاری گزینشی) پژوهش ارائه شد که مبتنی بر درک دانشجویان از فضای شغلی به‌مثابه میدانی سرمایه‌سالار است که در آن نیازهای مالی برجسته هستند اما کام‌خواهی شغلی منوط به همبستگی شغل با سرمایه است که آن هم در اتمفسری نابرابر توزیع شده است. آنان آگاهانه/ناخودآگاه می‌دانند که در میدان اقتصادی بدون مالکیت سرمایه‌ای مناسب نمی‌توانند شغلی با برآیند مالی/اجتماعی/منزلی مناسب به‌دست آورند. زیرا میدان غالبی که در آن سیر می‌کنند پول‌سالاری است. در نتیجه‌ی این وضعیت آرزوها و آمال آنان سخت تحت تاثیر قرار گرفته و زندگی آنان را پروبلماتیک می‌کند.

واژگان کلیدی: اشتغال، دغدغه شغلی، دانشجویان نرورد، کام‌خواهی شغلی، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

از ویژگی‌های بارز جوانی دغدغه‌مندی است؛ اگرچه دغدغه‌های افراد مختلف با یکدیگر متفاوت است اما شاید بتوان نقطه مشترک همه‌ی دل‌مشغولی و نگرانی جوانان را داشتن دغدغه اشتغال دانست. فرد از دوران کودکی با مسئله انتخاب شغل مواجه بوده و برای آینده خود بارها و بارها از آرزوی شغلی گفته و انشا نوشته و در آرزوی دور و دراز برای آینده و رسیدن به رویایی که در سر می‌پروراند در تلاش بوده است. می‌توان گفت یافتن شغل انتظاری است اجتماعی که از همان دوران کودکی فرد پدید آمده و به مرور زمان توسط نهادهای مختلفی از جمله خانواده، مدرسه، رسانه و بطور کلی نهادهایی که فرد در طول دوران با آنان مواجه است، تقویت می‌شود. بطور کلی اشتغال در کنار اهمیت اقتصادی، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. اقتصاد به‌نوعی زیرساخت نظام خانواده است و شاید بتوان بسیاری از مسائل و مشکلات خانواده را به‌واسطه اقتصاد ریشه‌یابی کرد و درصد امنیت و رفاه اجتماعی را با رفع موانع شغلی کاهش داد. اما اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن در جامعه ایران شاید پررنگ‌تر باشد. زیرا هویت‌یابی افراد در جامعه (به‌طور ویژه مردان) با شغل رخ می‌دهد. در واقع، فقدان شغل تبعات بسیار فراوانی برای افراد دارد، از تحمل کنایه‌های متفاوت تا حتی گوشه‌نشینی و طرد اجتماعی. به‌همین دلیل داشتن شغل در فرهنگ و اجتماع ایرانی بسیار حیاتی است و بیراه نیست اگر کودکان نیز دغدغه شغل داشته باشند (کاکال و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

در این میان آنچه بدیهی است اینکه جوانان موتور محرکه جامعه و اقتصاد کشور هستند. هرچه میزان دل‌نگرانی و دغدغه جوانان کمتر باشد، ثبات و اقتدار یک جامعه بیشتر بوده و با افزایش امید اجتماعی در بین جوانان، تلاش آنان در راستای توسعه فردی و اجتماعی، بیشتر می‌گردد. این واقعیت حتی در نظریه‌های اجتماعی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در واقع، نظریه پنجره جمعیتی همین واقعیت را نشان می‌دهد (صادقی، ۱۳۹۱).

در این میان، برهم‌خوردن تعادل عرضه و تقاضای شغلی در جامعه به واسطه علت‌های مختلف، دغدغه‌های فراوانی را خلق کرده است. به عبارت دیگر، رشد سریع جمعیت، در کنار دیگر عوامل از جمله تحولات اجتماعی-اقتصادی پر شتاب در دهه‌های گذشته (تجربه تحریم و تورم افسارگسیخته و ...)، فرایند اشتغال‌یابی برای جوانان را با مشکل مواجه ساخته است و مسئله بیکاری جوانان در جامعه ایران را به یکی از اصلی‌ترین مسائل و دغدغه‌های روز آنها تبدیل کرده است (روحانی و همکاران، ۱۴۰۰). این امر بدین معنی است که هر جوانی با امید و انگیزه شغلی وارد فضای دانشگاهی شده و امید دارد با اتمام تحصیلات به جایگاه شغلی که لایق آن است

دست یابد. وی همچنین قصد دارد با استفاده از آن شغل و ورود به بازار کار، منزلت، پرستیژ و جایگاه اجتماعی خاصی برای خود کسب بکند. اما در انتهای این فرایند، نه‌تنها اکثر جوانان ارتقای سرمایه‌ای و منزلتی را تجربه نمی‌کنند، بلکه اغلب به‌طور ویژه با مسئله بیکاری مواجه می‌شوند و در کنار آن به‌لحاظ اقتصادی دچار مشکل می‌شوند و وابستگی اقتصادی آنان به خانواده طولانی‌تر و بیشتر می‌شود (خواجانه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱).

ازسوی دیگر، اگر بیکاری در جامعه نهادینه شود، بی‌توجهی به این معضل اقتصادی، مشکلات بزرگ‌تر و پیامدهای گسترده‌تری خواهد داشت. درواقع، داشتن دغدغه شغل در میان جوانان صرفاً به مسائل اقتصادی خلاصه نخواهد شد بلکه تبعات اجتماعی و فرهنگی آن پررنگ‌تر خواهد شد. کم‌اینکه پیگیری اندک در صفحات مجازی عمومی و عامه‌پسند دانشجویان نشان می‌دهد که واژه ترابی/تراییست یکی از پرتکرارترین واژه‌های به‌کار گرفته شده توسط آنان است. بطورکلی، با توجه به موارد ذکر شده آنچه در مرکز توضیحات واقع شده و بر موارد دیگر اثرگذار است، شرایط اقتصادی جامعه است. به عبارتی، می‌توان گفت تورم و به‌طور عمده سرمایه‌سالار و پول‌سالار بودن جامعه موجب گشته تا ملاک‌های شغلی افراد نیز به نوبه خود دستخوش تغییر گردند. به عبارت دیگر، خالی از انتظار نیست که با توجه به شرایط اقتصادی پیش‌رو، مسئله اشتغال و اقتصاد جوانان تحت تاثیر و نشات گرفته از ملاک‌های شغلی متعدد باشد. به نوعی، جوانان در کشاکش علاقه‌مندی و مهارت‌های شغلی خود و آنچه جامعه و شرایط اقتصادی ایجاد می‌کند در تلاطم‌اند. دراین‌میان، چالش‌های اقتصادی، زیست اقتصادی مطلوب جوانان را دستخوش تغییرات عمده کرده است و افراد با ملاک‌یابی‌های عمده سعی در فائق آمدن بر این چالش‌ها و رسیدن به موقعیت شغلی مطلوب منطبق با شرایط اقتصادی جامعه را دارند. این وضعیت عموماً از نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان نشات می‌گیرد. کم‌اینکه نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بالاتر است. به‌همین دلیل در مطالعه حاضر دانشجویان نوروود به دانشگاه انتخاب شدند تا به این سوال اصلی پژوهش پاسخ دهند که مسائل و دغدغه شغلی آنان چگونه صورت‌بندی شده است؟

چارچوب مفهومی

پژوهش حاضر برای حصول به حساسیت نظری به مرور پیشینه‌های تجربی و نظریه‌های اجتماعی در رابطه با جوانان و مسئله اشتغال پرداخته است. تاکنون تحقیقات بیشماری در خصوص جوانان و ارتباط متقابل آنها با سازه‌های مرسوم در علوم اجتماعی، روانشناسی و به‌طورکلی علوم انسانی صورت گرفته است که این نشان از اهمیت و جایگاه نوجوانان و جوانان و

مسائل مربوط به آنان در سطح اجتماع دارد. با این وجود در این مسیر به پژوهش‌هایی که در زمینه مسائل مربوط به بیکاری و اشتغال جوانان پرداخته شده است، اشاره می‌شود.

یاوری (۱۳۹۲) طی نتایج تحقیق خود نشان داد میان شرایط فیزیکی شغل، ماهیت شغل، ویژگی همکاران و مدیران با تعهد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین رابطه عامل سازگاری شغل و شخص با تعهد به صنعت معنادار و منفی است. هرنندی و فلاح‌محسن‌خانی (۱۳۸۶) بیان می‌کنند که عدم تعامل بین موسسات آموزشی و بازار کار، نبود فرصت‌های شغلی کافی و نابرابری فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان، ضعف برنامه‌های حمایت از خود اشتغالی، سازمان یافته نبودن بازار کار کشور و کم‌رنگ بودن نقش موسسات کاریابی و موسسات محل تحصیل در این بازار از جمله مهم‌ترین موانع گذار موفق جوانان محسوب می‌شود. بیگدلی و همکاران (۱۳۹۶) طبق نتایج پژوهش بیان می‌کنند که دانشجویان نگرش مثبتی به یافتن شغل در فاصله زمانی کوتاه و به‌ویژه شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود و ورود به بازار کار نداشتند. هدایتی و همکاران (۱۳۹۱) دیدگاه دانشجویان رشته تحصیلی دندان پزشکی را در مورد آینده شغلی منفی ارزیابی کردند که بیان‌گر نگرانی در مورد آینده شغلی آنها در این رشته است. سعیدی‌رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) نارضایتی و ناامیدی دانش‌آموختگان رشته مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد را درباره آینده شغلی خود گزارش کردند. نتایج پژوهش رضوی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که به‌طور کلی وضعیت امید به اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته تحصیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور در تمام ابعاد مورد بررسی، به‌طور معناداری در وضعیت پایین‌تر از حد مطلوب قرار داشت. صادقی و شکفته‌گوهری (۱۳۹۵) در تحقیقی ترکیبی دریافتند که احتمال تجردماندگی حدود هشت برابر بیشتر از افراد شاغل است. بنابر نتایج می‌توان گفت بیکاری و ناامنی شغلی، عدم اطمینان زیادی را نسبت به آینده برای جوانان رقم زده و تصمیم به ازدواج آنان را تا آینده‌ای نامعلوم به تاخیر می‌اندازد. در پژوهش گلی و همکاران^۱ (۲۰۱۲) مشخص شد که بین گرایش‌های ذاتی به شغل با افزایش تحصیلات، تشویق والدین به تحصیل همبستگی وجود دارد. و بین پیشرفت شغلی با مهارت، فرصت‌های یادگیری، میزان درگیری با همکاران، افزایش درآمد و امنیت کاری رابطه وجود دارد. سره و همکاران^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی دریافتند که دانشجویان رشته کتابداری آموخته‌ها و تجربیات اندک دوران تحصیل خود را با مشاهدات خود در بازار کار متفاوت دیده و بدین ترتیب درباره آینده شغلی خود ابهام دارند. هاشیمو و کوندو^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیرات طولانی مدت شرایط بازار کار بر نحوه‌ی تشکیل خانواده ژاپنی پرداختند. این تحقیق به دنبال بررسی شرایط بلند مدت اقتصادی بر

1. Gallie et al.

2. Sare et al.

3. Hashimoto & Kondo

وضعیت خانوادگی گروه‌های مختلف جوانان است نتایج حاکی از آن است که زنانی که در هم‌گروه‌های^۱ جنسیتی قرار دارند که نرخ بیکاری در آن بالاست، ازدواج خود را به تعویق انداخته و باروری پایین‌تری دارند. ایاکووو و همکاران^۲ (۲۰۰۴) ترجیحات انتخاب شغل دانشجویان بازرگانی در ایالت متحده آمریکا را ارزیابی و ۲۰ ویژگی شغلی را اولویت‌بندی کردند. یافته‌ها نشان داد دانشجویان پتانسیل رشد، مزایای شغل، مسئولیت شغلی و تنوع را به‌منزله مهم‌ترین ویژگی هنگام دستیابی به یک فرصت شغلی ارزیابی می‌کنند. همچنین، فرهنگ کار به‌ویژه برای دانشجویان دختر مهم است؛ در حالی که موقعیت جغرافیایی شغل برای دانشجویان پسر کمترین اهمیت را دارد. گروند^۳ (۲۰۱۱) ترجیحات شغلی کارمندی را که در کشور آلمان تغییر شغل داده‌اند و شغل جدیدی آغاز کرده‌اند، با توجه به هشت ویژگی شغلی، نوع کار، حقوق، شانس ارتقا، فشار کاری، زمان رفت‌وآمد، مقررات ساعت کار، مزایای حاشیه‌ای و امنیت در برابر از دست دادن شغل مقایسه کردند. یافته‌ها نشان داد حقوق و نوع کار برای کارمندان از اهمیت بیشتری برخوردار است. نتایج پژوهش‌های هانگ و همکاران^۴ (۲۰۱۲) و هانگ، و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که شاخص امید به اشتغال معیاری درخور اعتماد و دارای اعتبار است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای از مسیر عزت‌نفس، توانمندی و خودکفایی عبور می‌کند؛ یعنی برخورداری از عزت‌نفس، توانمندی‌های فنی و تخصصی و همچنین خودکفایی می‌تواند در میزان امید به اشتغال موثر باشد.

علاوه بر پژوهش‌های تجربی نظریه‌هایی هم در رابطه با مسئله شغل ارائه شده‌اند. برای مثال نظریه خصیصه-عمل تاکید دارد که انتخاب یک شغل مهم‌تر از به‌دست آوردن آن شغل است. با توجه به این نظریه، انتخاب شغل که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین عمل و تصمیم‌گیری در زندگی هر فردی است زمانی اتفاق می‌افتد که فرد در ابتدای ورود به دنیای کار است. انتخاب شغل را عملی آگاهانه دانسته، به این معنا که فرد آگاهی دارد که چرا چنین انتخابی داشته و این انتخاب به چه دلیل است. با توجه به این نظریه فرد پس رویارویی با اهمیت و ضرورت اشتغال و داشتن شغل، با آگاهی کامل به تجزیه و تحلیل خود در این راستا که چه توانایی و چه ضعف‌هایی دارد می‌پردازد و به کسب اطلاعات لازم برای انتخاب شغل دست یافته و ترجیحات شغلی خود را درمی‌یابد. رو^۵ به نقش تربیتی والدین در دوران کودکی تاکید دارد. وی بیان می‌کند که تفاوت‌های رفتاری منجر به تجارب و آموزش‌های دوران کودکی و در نهایت به تفاوت در نوع شخصیت کودکان منجر می‌شود. به عبارتی، می‌توان گفت ترجیحات شغلی هر فردی تا حدی به

1. Cohort Study
 2. Iavovou et al.
 3. Grund
 4. Hong et al.
 5. Roe

دوران کودکی وی و نقش تربیتی که والدین داشته‌اند بازمی‌گردد. هر فرد با توجه به نیازها و سبک و شیوه‌ی زندگی که دارد، مجموعه ترجیحات حرفه‌ای و شغلی را برای خود تعیین می‌کند. بنابر نظریه گینزبرگ^۱، همانند رشد انسان که فرایندی پیوسته و تکاملی است، شغل نیز دارای فرایند است و با عواملی همچون واقعیت‌های محیطی، ارزش‌های فردی، عوامل عاطفی و همچنین فرصت‌های تربیتی بستگی کاملی دارد. از نظر وی، انتخاب شغل در دوره معینی صورت می‌گیرد و فرد بین انتظاراتی که دارد، امکانات ممکن و خصوصیات و ویژگی‌های فردی توافق و سازش ایجاد می‌کند. این دوره قابل بازگشت نبوده و بر این اساس، ترجیحات شغلی فرد دارای فرایندی تکاملی و در عین حال پیوسته و مستمر است و متاثر از ارزش‌ها، محیط اجتماعی و تربیت است که تعیین کننده ترجیحات شغلی فرد هستند. به عبارت دیگر، این موارد عادت‌واره‌های فرد کنشگر را می‌سازند. نظریه هم‌خوانی^۲ شغلی هالند^۳ بر دو اصل استوار است: از طرفی انتخاب حرف و شغل به ویژگی‌های شخصیتی فرد وابسته و متاثر از آن است، چرا که شغل راهی برای ابراز وجود فرد می‌باشد. از طرف دیگر، انتخاب شغل رابطه مستقیم با گرایش فرد و طرز تلقی وی دارد. طبق نظر وی، اگر چه پیشرفت‌های زیادی در علوم مختلف همچون آمار اتفاق افتاده است، اما همچنان می‌توان گفت بهترین کار برای پیش‌بینی حرفه و شغل افراد، پرسشگری در رابطه با ترجیحات شغلی آنان است. به عبارت دیگر، می‌توان با استفاده از ابزار مصاحبه به علایق و گرایش‌های شغلی افراد دست یافت (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱)

بر اساس نظریه پل شکسته، میان آموزش و کار، مهم‌ترین مسائل در حیطه کار در کشور عدم هماهنگی میان پذیرش دانشجو در رشته‌های تحصیلی با نیاز و ظرفیت بازار کار است. پژوهشگران حوزه بیکاری عدم انطباق میان مهارت‌های آموخته شده با بازار کار را عاملی در تسریع و بیشتر شدن شکاف میان زمان فارغ‌التحصیلی و ورود فرد به بازار کار می‌دانند که اصطلاحاً آن را "پل شکسته بین آموزش و بازار کار" می‌دانند (رابرت^۴، ۲۰۰۴؛ برین^۵، ۲۰۰۵). پایین بودن ظرفیت بازار کار در جذب مستمر نیروی انسانی، تا حد زیادی باعث و عامل بیکاری جوانان گشته است. به عبارت دیگر، موجب شده که حجم زیادی از نیروی کار جوان، موقعیت بیکاری، شرایط و پیامدهای آن را تجربه کنند که به این موقعیت در اصطلاح "کلوگاه" گفته می‌شود (مایت و مورل^۶، ۱۹۹۰؛ آمادوت^۷، ۱۹۹۵). نبودن ظرفیت مناسب در بازار کار برای جذب

-
1. Ginsburg
 2. Congruence theory
 3. Haland
 4. Roberts
 5. Breen
 6. Myatt & murrell
 7. Aamodt

نیروی انسانی و استمرار در آن در طی سال‌های اخیر منجر به انباشت و تجمع تقاضاهای عمده برای ورود به بازار کار شده است. در چنین شرایطی گهگاهی بیکاران را درون جامعه شاهد هستیم.

از منظر جاهودا^۱، شغل دارای دو مزیت برای فرد است؛ از طرفی پاسخگوی نیازهای مالی فرد است و آن را تامین می‌کند و از طرفی دیگر برای فرد منافع پنهانی دارد و نیازهای روانی فرد را پاسخگوست. نیازهای مادی یا منافع آشکار فرد است که وی را به سمت اشتغال سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، فرد برای رفع و پاسخگویی به نیازهای مادی در پی کار برمی‌آید. در کنار منافع آشکاری که فرد دارد، منافع پنهانی نیز وجود دارند که شامل تعامل اجتماعی، منزلت، هدف مشترک، هویت و فعال بودن دارای اهمیت زیادی هستند. از سوی دیگر، همین منافع پنهان هستند که باعث به رسمیت شناخته شدن فرد در جامعه می‌شوند. بنابر مطالب گفته شده، جایگاه و موقعیت هر فرد از طریق اشتغال و نوع شغل وی مشخص می‌شود. عدم اشتغال و بیکاری موجب محرومیت افراد از منافع آشکار و پنهان می‌شود و فراتر از مسائل مالی و منافع آشکار حس محرومیت را در افراد جامعه باقی می‌گذارد (جاهودا، ۱۹۸۴؛ ۲۹۸).

بطور کلی می‌توان گفت فرایر^۲ دیدگاهی به نسبت متفاوت از جاهودا دارد. وی از دست دادن منبع اصلی درآمد را پیامد اصلی بیکار شدن و عدم اشتغال می‌داند. با بیکاری و نبود درآمد، انتخاب سبک زندگی فرد و برنامه‌ریزی برای زندگی و آینده وی دچار مشکل می‌شود؛ و در پی آن میزان رضایت از زندگی در فرد کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر می‌توان گفت آن چیزی که منجر به فقر تباہ‌کننده می‌شود، بیکاری غیر ارادی است. چنین تجربه‌ی فقری است که افراد را از آینده‌ی معنادار دور ساخته و منجر به آسیب به سلامت روان افراد و کاهش آن می‌شود (فرایر، ۱۹۹۵).

از نظر مک دونالد^۳، جوانان حساسیت بیشتری نسبت به موقعیت‌های مخاطره‌آمیز دارند. بطور کلی جهانی شدن و همچنین افزایش میزان تحصیلات منجر به افزایش سطح انتظارات اقتصادی جوانان می‌شود. چنین افزایش انتظاراتی با موقعیت نامناسبی که جوانان در بازار کار رقابتی دارند، منجر به احساس ناامنی نسبت به آینده شده است. قراردادی و کوتاه مدت شدن موقعیت‌های شغلی جوانان را نسبت به آینده نامطمئن کرده است. در چنین شرایطی ترجیح جوانان پرداختن زمان بیشتری به تحصیل است تا بلکه از این طریق امنیت شغلی خود را افزایش دهند (مک‌دونالد و اوانس، ۲۰۰۲؛ مک‌دونالد، ۲۰۰۶).

چنانچه پیداست، پژوهش‌ها و نظریات متنوعی در رابطه با مسئله شغل ارائه شده است. در بر ساخت حساسیت نظری، با استفاده از این پژوهش‌ها و نظریه سعی شد تا بر مفاهیم خاصی

1. Jahoda
2. Fryer
3. McDonald

تمرکز بیشتری کنیم و در ورود به میدان پژوهش و در طراحی پروتکل مصاحبه از آن استفاده کنیم. برای مثال، رابطه امیدواری به آینده‌ی شغلی به واسطه تحصیل، یکی از مفاهیم، سوالات و محورهای اصلی پروتکل مصاحبه بود که بر اساس این پژوهش‌ها و یافته‌ها سعی داشتیم آن را مورد مذاقه قرار دهیم. همچنین، شناخت نسبت به بازار کار نیز از جمله مفاهیم و محورهای اصلی پروتکل مصاحبه بوده است. از سوی دیگر، ترجیحات و ملاک‌های شغلی افراد نیز از دیگر محورهایی بود که در طراحی حساسیت نظری و پروتکل مصاحبه از آن استفاده کردیم. همچنین نظریات ارائه شده بر ضرورت انتخاب شغل و ملاک و عوامل موثر بر شغل، ارتباط میان بازار کار و تحصیلات نیز دلالت داشته‌اند. درواقع، از تمامی این مطالعات و نظریه‌های مختلف برای ورود آگاهانه به میدان پژوهش (تنظیم مصاحبه‌نامه) استفاده شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر بر اساس روش‌شناسی کیفی و رویکرد نظریه‌زمینه‌ای (شیوه سیستماتیک)، انجام شده است. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند و در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود. بنابراین، نظریه پدیدار شده به «واقعیت» نزدیک‌تر بوده و می‌تواند بصیرت افزا باشد و فهم را تقویت کند و راهنمای عمل باشد (اشتراوس و کربین^۱، ۱۳۹۰). در این مسیر پس از شکل‌گیری خطوط کلی مصاحبه‌ها براساس مفاهیم و مقولات، به تدریج مصاحبه‌ها نظری‌تر و تخصصی‌تر شدند و بر جمع‌آوری اطلاعات خاص افزوده می‌شد. همچنین، فرایند جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری براساس نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها از پیاده‌سازی و مکتوب کردن داده‌ها و درواقع، نسخه‌برداری دقیق و کلمه‌به‌کلمه، سازمان‌دهی و ذخیره آن‌ها آغاز می‌شود و با اجرای مراحل دیگری اعم از سه فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی و مرتبط کردن مقوله‌ها به یکدیگر در جهت توسعه خط داستان و طرح مدل پارادایمی و نظریه مستقر در داده‌ها ادامه یافت. در این مسیر، با شروع اولین مرحله کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، متن سطر به سطر و گاهی کلمه‌به‌کلمه تحلیل شد و سعی شد از کدهای اولیه و جنینی به‌عنوان واژگان‌گیری که در سخن مشارکت‌کنندگان بلافاصله نظر محقق را جلب می‌کنند استفاده شود تا معنای کنش‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان حفظ شود. در مرحله بعد، مفاهیم به‌دست‌آمده به مقولات فرعی و مقولات اصلی تقلیل یافت. برچسب‌گذاری مقوله‌ها در این مسیر بر اساس شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم تشکیل‌دهنده آن‌ها صورت می‌گرفت. سپس، مقوله هسته در

ارتباط با مقولات فرعی و اصلی دو مرحله قبل خود و بر اساس تکنیک مقایسه‌ای ثابت بر ساخت شده است.

در نهایت، از ارتباط تمامی مقوله‌ها به همدیگر و نتیجه آن‌ها خط داستان کلی پژوهش استخراج می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸). در این مسیر، مقوله‌های مختلف پژوهش به هم مرتبط شدند و در پرتو آن مسیر کلی تجربه مشارکت‌کنندگان و جریان حاکم بر پژوهش ظهور یافت، که در بخش یافته‌های پژوهش به‌همراه نقل‌قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان روایت شده است. تشریح فرایند و جریان گزاره‌ها در قالب خط داستان کمک می‌کند تا انسجام و نظم مفاهیم و مقولات کشف‌شده و ارتباط بین آن‌ها به گونه‌ای منسجم‌تر و قابل‌فهم‌تر مطرح شود.

سپس محقق، برای نشان‌دادن ساختار و فرایند پژوهش، مدل پارادایمی را طراحی نمود؛ بدین‌صورت که پدیده مرکزی پژوهش در مدل پارادایمی مشتمل بر شرایط علی (عواملی که مشخصاً به ظهور پدیده منجر می‌شوند)؛ شرایط زمینه‌ای (عواملی که راهبردهای مشارکت‌کنندگان در بستر آن‌ها رخ می‌دهند و بیشتر شامل عوامل فردی و خاص در زندگی‌نامه مشارکت‌کننده هستند و به‌طورکلی پدیده پژوهش را تخفیف یا تشدید می‌کنند)؛ شرایط مداخله‌گر (شامل عوامل گسترده و کلانی که بیشتر به نیروهای کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مربوط می‌شوند و از بیرون و ازپیش موجودند و در تخفیف یا تشدید پدیده مرکزی و در انتخاب راهبردهای مشارکت‌کنندگان نقش دارند)؛ راهبردها (مشتمل بر کنش‌هایی که مشارکت‌کنندگان در واکنش به پدیده‌ای در متن و تحت‌تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دارند)؛ و پیامدهای منتج از راهبردها ترسیم می‌شود.

بطورکلی پژوهش کیفی رویکردی است که بر تعاملات انسانی استوار شده است و با توجه به همین امر، ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های کیفی غالباً در مقایسه با پژوهش‌های کمی از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. این امر از ویژگی ذاتی پژوهش کیفی نشأت می‌گیرد که مستلزم تماس شخصی نزدیک و درازمدت با محیط پژوهش و انجام مصاحبه‌های عمیق با افراد مورد مطالعه است. در این پژوهش، برای حفظ محرمانگی اطلاعات از اسامی مستعار برای مشارکت‌کنندگان در سرتاسر پژوهش استفاده شد. افزون بر این، با رعایت ملاحظات اخلاقی چون موافقت افراد مورد مطالعه، خودداری از متفاوت جلوه‌دادن شرایط و فریب‌کاری، پرهیز از ضرر و زیان به مشارکت‌کنندگان، و صحت و عدم دست‌کاری در داده‌ها ویژگی پژوهش علمی و رفتار اخلاقی را رعایت کردیم (حریری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۲).

گردآوری از میان جوانان نو ورود ۱۸ تا ۱۹ سال دانشجوی دانشگاه یزد بوده و سعی شد که گردآوری مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف از جمله فضای سبز، محیط دانشگاه، خوابگاه دانشجویی و امثالهم گردآوری شود و مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ دقیقه تا ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه

متغیر بوده‌است. تفاوت زمانی مصاحبه‌ها گاهی ناشی از وقت پاسخ‌گو، میزان تجارب غنی او و میزان تمایل او برای بیان تجارب خود بود و از جانب دیگر، به سبب عدم شکل‌گیری مقولات و مفاهیم، سؤالات ابتدایی محدود و کلی بوده است که رفته‌رفته، به تناسب شکل‌گیری مقولات فرعی و سپس اصلی، ابعاد و جزئیات بیشتری بررسی و سؤال می‌شد که صرف وقت بیشتری را برای پاسخ‌گویی می‌طلبید. دلیل انتخاب این بازه سنی به شرایط اجتماعی چند سال اخیر برمی‌گردد. در واقع، در تعیین ملاک‌های شمول سعی شد دانشجویانی مورد مصاحبه قرار بگیرند که در سال اول دانشجویی باشند. این انتخاب به این خاطر بوده است که این قشر بیشتر از دو سال آموزش مجازی را پشت سر گذاشته بودند، به شدت با تکنولوژی‌های مجازی آشنا بودند و به واسطه همه‌گیری کووید ۱۹ با آن عجین بودند، سبک زندگی مجازی پیدا کرده بودند و ورود به دوره جوانی‌شان از دریچه این تجارب بوده است. در واقع آنان نسلی مجازی و در آستانه‌ای بودند. به همین دلیل به طور هدفمند این گروه از دانشجویان مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها از اردیبهشت ماه تا تیرماه ۱۴۰۱ به طول انجامید. در ادامه در جدول شماره ۱ فهرست مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول شماره ۱: فهرست مشارکت‌کنندگان

ردیف	اسم	سن	وضعیت	ردیف	اسم	سن	وضعیت
۱	ارشیا	۱۹		۱۱	میثم	۱۹	
۲	علی	۱۸		۱۲	آرزو	۱۹	
۳	عباس	۱۹		۱۳	یلدا	۱۹	
۴	محمود	۱۹	دانشجو	۱۴	دانیال (تراجنسیتی)	۱۸	دانشجو
۵	فرشته	۱۸		۱۵	آرمان	۱۹	
۶	مهرداد	۱۹		۱۶	سوگند	۱۹	
۷	زهرا	۱۸		۱۷	مهدی	۱۹	
۸	مریم	۱۹		۱۸	ملیسا	۱۸	
۹	محدثه	۱۸		۱۹	بهمن	۱۹	
۱۰	مبینا	۱۹		۲۰	بهنام	۱۸	

طبق مشخصات درون جدول، تعداد مشارکت‌کنندگان ۲۰ نفر بوده که از این تعداد ۱۰ نفر پسر و ۹ نفر دختر و یک تراجنسیتی بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش

با تحلیل خط‌به‌خط و بررسی دقیق متن مصاحبه‌های تحقیق، مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی و در نهایت مقوله‌ی هسته در طی فرایند دقیق و طولانی مفهوم‌پردازی و ارائه شد. در نهایت مقوله‌ی هسته تحت عنوان "کام‌خواهی شغلی: مسیر همبستگی سرمایه/ تلاش/ درآمد" از ۱۳ مقوله‌ی اصلی، ۲۸ مقوله‌ی فرعی و ۱۱۳ مفهوم برساخت شد که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. در ادامه مقولات اصلی پژوهش شرح داده می‌شوند.

جدول شماره ۲: مقوله‌های اصلی و هسته استخراج شده

مقوله فرعی	مقولات اصلی	مدل پارادایمی	مقوله هسته
تمایل به استقلال مالی	تمایل به خود اتکایی مالی	شرایط علی	مقوله هسته
خوداتکایی مالی			
اولویت درآمدی	پول سالاری شغل		
درآمد شغلی			
پول سالاری			
الزام شغلی	الزام شغلی		
ملاک علاقه شغلی	ملاک‌های متکثر شغلی‌یابی	شرایط زمینهای	
ملاک سادگی شغلی			
ملاک شرافت شغلی			
ملاک بی‌حاشیگی شغلی			
ملاک سلامت شغلی			
دانشجوی بیکار	بیکاری تحصیلی	شرایط زمینهای	مقوله هسته
مشغله‌های تحصیلی			
سختی کسب درآمد	شرایط نامناسب شغل		
شرایط نامناسب شغلی/جنسیتی			
مشغله‌های شغلی	کام‌خواهی شغلی	پدیده	مقوله هسته
اهمیت اشتغال			
تمایل به تجربه شغلی			
برنامه‌ریزی شغلی			
علاقه‌مندی به شغل رشته تخصص محور	علاقه‌مندی به شغل رشته تخصص محور	استراتژی	
علاقه به مشاغل دولتی	ترجیحات کارفرمایی		کام‌خواهی شغلی: مسیر همبستگی
علاقه به مشاغل آزاد			

ترجیحات شغلی غیرمادی	ترجیحات شغلی‌یابی	سرمایه/ تلاش / درآمد
علاقه‌مندی به شغل‌های آموزشی	عام‌المنفعه	
تقدیرگرایی شغل	تقدیرگرایی شغل	پیامدها
منابع حمایتی چندگانه	منابع حمایتی چندگانه	
همبستگی سرمایه و درآمد	همبستگی سرمایه تلاش	
همبستگی تلاش و درآمد	درآمد	

شرایط علی

شرایط علی بیان‌کننده وقایع، حوادث و رویدادهایی بوده که به وقوع یا گسترش پدیده منجر می‌شوند و بر پدیده موردنظر تقدم دارند. در تحقیق پیش‌رو شرایط علی شامل: تمایل به خوداتکایی مالی، پول‌سالاری و شغل‌الزامی است. تمایل به خوداتکایی مالی: انسان در هر دوره از زندگی خود به دنبال چیزی است. فرد در دوران نوجوانی و شروع جوانی کم کم به دنبال استقلال بوده و یکی از انواع استقلال، استقلال مالی است. این نوع استقلال در کنار این که تا حدی آزادی بیشتری در اختیار فرد قرار می‌دهد، از نظر روانی نیز فرد به آرامش خاطر بیشتری می‌رسد که توانایی رسیدن به اهداف خود را دارد. گاهی این تمایل به استقلال ممکن است میان فرزند و والدین او اختلاف ایجاد کند و فرد در جهت مقابله با اعضای خانواده در پی این استقلال مالی برآید. چنین چیزی ممکن است به دلیل محدودیت‌های اعمالی از جانب والدین باشد که فرزند این محدودیت‌ها را علیه استقلال خود می‌داند و در جهت رفع آن به دنبال استقلال مالی است. و یا گاهی بلعکس بوده و فرد در طی زندگی خود و با توجه به اهمیت استقلال مالی در نزد والدین خود و آموزش‌های والدین در جهت استقلال مالی، در جست‌وجوی استقلال مالی است. میثم می‌گوید:

«قطعا.. اینکه پول داشته باشم و نخواد به خانواده بگم و بشه دهن باباهه رو سرویس کنی که بگی لازم نیست تو کمک کنی و خودم تونستم از پس هزینه‌ها بر پیام».

علاوه بر تمایل به خوداتکایی مالی، مورد دیگر پول‌سالاری است. در دنیای کنونی مسئله پول مورد توجه افراد بسیاری است و زندگی بر مدار پول چرخیده و با آن گره خورده است. بطورکلی می‌توان گفت پول تا حدودی حرف اول و آخر را می‌زند. چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی پول نقش مهمی را ایفا کرده و با ایجاد و فراهم آوردن امکانات مورد نیاز، رفاه را برای افراد به ارمغان می‌آورد و به ابزار و قدرتی قابل توجه در روابط اجتماعی تبدیل شده که برای هر فرد به دنبال خودشان و منزلت به همراه می‌آورد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت پول برای فرد استقلال و امنیت روانی در پی دارد. در واقع، پول اصلی‌ترین راه برای رسیدن به آرزوها، بخصوص آرزوهای مادی است. گاهی افراد به دنبال کسب پول بیشتر از ساده‌ترین راه‌ها

هستند و درآمد بالا برای آنان ارجحیت دارد. همگی این موارد در زندگی جوانان جاری و ساری هستند. به‌همین می‌گویند:

«دوتا ویژگی کلا باید داشته باشه، اولین و مهمترین چیز درآمد بالاست، و دومی اینکه آرامش داشته باشه. بعضی شغلا هستن خیلی ساعتشون زیاده و خستگی زیادی داره و دغدغه‌ی شغلی همش ایجاد میکنن، البته خب اون اولیه اولویتش بالاتره بنظر من، گاها لازمه سختیا رو به جون بخری تا درآمد خوبی داشته باشی».

در نهایت، آخرین مورد از شرایط علی الزام شغلی است. همانطور که گفته شد با توجه به شرایط پول‌سالارانه جامعه، داشتن شغل برای هر انسانی ضروری است. این مسئله اهمیت اشتغال و الزام آن را برای جوانان دوچندان می‌کند؛ چرا که جوانان در شرف استقلال و شروع زندگی جدید هستند. داشتن اشتغال برای فرد نشان از خودکفایی او دارد. هدف اشتغال در دوران نوجوانی و جوانی به‌طور ویژه موجب موفقیت‌های آتی می‌شود. در کنار دیگر نیازهایی که انسان دارد، نیاز به اشتغال همواره نیازی ضروری است. اگرچه می‌توان ذکر کرد، با توجه به اینکه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ریشه در بحران اشتغال و بیکاری جوانان دارد، بحث اشتغال برای آنان بحثی الزامی و قابل توجه است. جوانان بنا بر اهداف مختلفی که دارند نیاز به استقلال و منابع مادی داشته و برای رسیدن به این رفاه مادی، اشتغال را امری ضروری و الزامی می‌دانند و با توجه به آموزش‌های درون خانوادگی اشتغال را از سنین پایین برای خود الزامی می‌دانند. به‌نام می‌گویند:

«خیلی.. خب اوضاع بد جامعه الان هست، کمبود پول هست، چه میدونم این گرونیاست که پول نباشه بیرون رفتن با دوستا یا حالا حتی چیزای دیگه هست که حالا هم محدود میشه هم اونقدری که آدم بخواد خوش نمی‌گذره. از طرفی تو خونه آدم هم یه همچین چیزی هست و وقتی آدم پولی نداشته باشه و درآمد نداشته باشه خود خانواده محدودش میکنن که همش بهت پول میدیم تو هیچکاری نمی‌کنی یا کارای خود آدم که می‌خواد انجام بده نیاز به پول داره. از بجایی به بعد خودم آدم احتیاج به درآمد شخصی داره. الان میگم چون بخاطر تایم دانشگاه چون محدود شدم یکم سخته».

شرایط زمینه‌ای

در کنار شرایط علی ما شرایط زمینه‌ای را داریم که شرایط زمینه‌ای شامل ویژگی‌هایی است که خاص کنشگران و بستر و میدان پژوهش است (کرسول، ۲۰۰۷). شرایط زمینه‌ای ما ملاک‌های متکثر شغلی‌یابی است. چنانچه در مسئله اشتغال، درآمد و میزان آن اهمیت فراوانی دارد اما نمی‌توان به نقش عوامل دیگر از جمله علاقه شغلی بی‌توجه و بی‌تفاوت بوده و آن را کنار

گذاشت. داشتن علاقه به حرفه‌ای که انجام می‌شود می‌تواند بازدهی را بالا برده و به فرد احساس لذت از فعالیتی که انجام می‌دهد را بدهد. بالعکس، عدم علاقه شغلی می‌تواند برای فرد کسالت‌آور و موجب فرسودگی و اختلال روانی شود. علاوه بر این برخی افراد در کنار علاقه شغلی و سهولت کار و درآمد در پی برخی خصایص انسانی از جمله شرافت شغلی هستند. چرا که شغل شریف می‌تواند منزلت و جایگاه اجتماعی را ارتقا دهد و احساس رضایت روانی را در فرد بیشتر سازد. علی می‌گوید:

«شغلی که به هر حال به خدمتی بکنه و درآمدی داشته باشه و شغل شریفی باشه».

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایطی ساختاری است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد و به پدیده تعلق دارد و بیشتر بر نیروهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی کلانی اشاره دارد که از بیرون از بستر بر بستر وارد می‌شود (کرسول، ۲۰۰۷). در این تحقیق شرایط مداخله‌گر تحت عنوان بیکاری تحصیلی و شرایط نامناسب شغل هستند.

در ارتباط با یکی از شرایط مداخله‌گر یعنی بیکاری تحصیلی می‌توان چنین گفت که دانشجویی دوره‌ای نه‌چندان طولانی است و از آنجایی که فرد در دوران حساسی قرار دارد و به دنبال استقلال و اشتغال است، گاهی شرایط و مشغله‌های تحصیلی اعم از ساعت و تعداد کلاس‌ها، انجام تمرین و امتحانات فرصت اشتغال را از دانشجو می‌گیرند. در دوران دانشجویی فرد متوجه تفاوت آن با مدرسه و افزایش هزینه‌های تحصیل می‌شود که اغلب توسط خانواده حمایت و تامین مالی می‌شوند و صرفاً به درس و دانشگاه مشغول می‌شوند. اما لازم به ذکر است که عده‌ای در کنار حمایت مالی والدین در جستجوی کاری پاره وقت و مناسب خود هستند که هم به تحصیل پردازند و هم از طریق اشتغال، پرستیژ و موقعیت اجتماعی مناسب خود را از این استقلال مالی هرچند اندک کسب کنند و رزومه خود را تا حدی برای ورود به بازار کار بعد از تحصیل تقویت کنند. ارشیا می‌گوید:

«به مدت آره شاغل بودم ولی الان نه، بخاطر محدودیت دانشگاه نمیتونم برم سرکار».

در کنار بیکاری تحصیلی می‌توان به شرایط نامناسب شغل اشاره کرد؛ اشتغال و کسب درآمد برای جوانان کار راحتی نیست، به خصوص که اکثر بخش‌ها و بازار کار از فرد درخواست سابقه کار طولانی دارند. اگرچه شغلی هم پیدا کنند، میزان درآمد حاصله با ارزش کار هم‌خوانی ندارد و کسب درآمد به راحتی صورت نمی‌پذیرد. همچنین در کنار موارد گفته شده، محیط‌های نامناسب شغلی به خصوص برای زنان وجود دارد که موجب آسیب‌های روحی و روانی و گاهی جسمی برای

افراد می‌شود. و از طرفی دیگر زنان از میزان حقوق و مزایای کمتری نسبت به سایرین برخوردارند. آرزو می‌گوید:

«حس می‌کنم اگر که مثلاً واقعا بخوای بکاری رو انجام بدی می‌تونی هرجایی زندگی کنی و باشی می‌تونی.. ولی یکم شرایط سخته بخصوص برای خانوما.. چون شنیدم از اطرافیان که یه خانوم خواسته جایی کار کنه ولی پیشنهادی خوبی دریافت نکرده.. سخته وقتی بخوای به عنوان یه خانوم بری فقط به عنوان یه کارمند نگات نمی‌کنن و ممکنه بخوان ازت استفاده‌ی دیگه‌ای هم بکنن».

پدیده

پدیده ناظر بر اتفاق، حادثه، واقعه و فکری محوری بوده که از علل ناشی می‌شوند. کام‌خواهی شغلی در این تحقیق پدیده اصلی و مرکزی ما بوده است. انسان در طول زندگی خود مدام در حال هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده خود است. برنامه‌ریزی شغلی نیز یکی از اهداف فرد است که آینده‌ی وی را تضمین می‌کند. فرد با توجه به علایق و استعدادهایی که دارد برای آینده شغلی خود برنامه‌ریزی کرده و آن را به هدفی برای رسیدن تبدیل کرده و بطور مداوم برای رسیدن به شغل و کار مناسب دچار درگیری ذهنی است. این فرایند را می‌توان کام‌خواهی شغلی معنا کرد. فرد در ارتباط با مشغله‌های شغلی میل به کسب تجربه و آزمون شغل‌های مختلف را داشته تا در نهایت برحسب درآمد، علاقه و استعداد به گزینش یک شغل بپردازد. این برنامه‌ریزی شغلی موجب سازمان‌دهی و نظم فکری افراد می‌شود. میل به تجربه نیز موجب گشته تا در زمان‌های مختلف و با ابزار و منابع گوناگون به کسب تجربه در حیطه‌های مختلف بپردازد و موانع و محدودیت‌ها را شناسایی و نقاط قوت و ضعف خود و شغل موردنظر را کشف کند. آرمان می‌گوید:

«برنامه که فعلاً هدفم اینه کارای مختلف رو امتحان کنم و ببینم کدومش بهتره و بیشتر به کدومش علاقه دارم، و تو کدوم قراره موفقتر بشم و اونو ادامه‌ش بدم».

استراتژی‌ها

استراتژی‌ها در واقع راهبردهایی هستند که در پاسخ به پدیده ارائه می‌شوند. از استراتژی‌های استخراج شده از تحقیق می‌توان به علاقمندی به شغل رشته تخصص محور اشاره کرد. بعضاً برخی از رشته‌ها از آینده شغلی و بازار کار خوبی برخوردارند. افراد تمایل دارند که از رشته‌هایی که فارغ‌التحصیل شده‌اند، وارد بازار کار شوند و شغلی متناسب با رشته تحصیلی خود یابند. البته با وجود آمار فارغ‌التحصیلان رشته‌ای و میزان ظرفیت بازار کار چنین امری تا حدی نشدنی است. هدف از انتخاب رشته و تحصیلات دانشگاهی کسب شغل با درآمد خوب و آینده‌ای مطلوب

است. لذا لازم است با تلفیق علاقه، استعداد و اهدافی که دارند و با شناخت از آینده بازار کار دست به انتخاب رشته بزنند. محمود می‌گوید:

«من برنامه بلند مدت دارم، اگر شد به امید خدا همین رشته خودم که علوم ورزشیه رو می‌خونم برا ارشد بعدش می‌ریم استخدامی می‌دیم توی اداره‌ی ورزشی یا فرهنگی».

از دیگر استراتژی‌ها ترجیحات کارفرمایی است. شاید بتوان یکی از مشغله‌های جوانان جویای کار را بررسی مزایا و معایب شغل دولتی و آزاد دانست. برخی معتقد به ارجحیت مزایای شغل دولتی هستند و برخی بلعکس. بطور کلی می‌توان گفت هرکدام از مشاغل دولتی و آزاد مزایا و معایب خاص خود را دارد و هر فرد بسته به سلیقه، علاقه و توانایی که دارد میل ورود به عرصه دولتی یا آزاد را در خود احساس می‌کند. چه بسا که همه افراد امکان ورود به مشاغل دولتی را نداشته و ظرفیت اندک این حوزه، این فرصت را از آنان دریغ می‌کند. رفتن به سمت و سوی مشاغل دولتی و گذر از شغل آزاد شاید ریشه در مسائل مالی و سرمایه اندک افراد داشته باشد. بی‌شک افراد در مشاغل دولتی از امنیت شغلی برخوردارند و مشاغل آزاد از ریسک زیادی برخوردار هستند. با این وجود با توجه به اینکه سبک و سوی زندگی جدید تغییر کرده‌است، افراد دیگر تمایل کمتری برای ورود به بخش دولتی از خود نشان می‌دهند و امیال و آرزوهای کارفرمایی شخصی دارند و به بخش خصوصی یا بازار آزاد وارد می‌شوند. زیرا در بخش دولتی استقلال عمل کمتری نسبت به بخش خصوصی وجود دارد. عباس می‌گوید:

«اگه تلاش کنی آره.. مثلا الان من بشخصه سمت بازار آزادم و هرچقدر توی شغل پیشرفت کنی و کارت رو بهتر کنی قاعدتا درآمد بیشتری داری. ولی شغل دولتی، تو هر چی تلاش کنی و موفق باشی تهش نوکر دولتی و یچیزی دولت میندازه جلوت و هرچی پیشرفت کنی باز همونه».

و در نهایت آخرین استراتژی حاصل شده ترجیحات شغلی‌یابی عام‌المنفعه می‌باشد. گاهی ورود به عرصه کار و اشتغال برای صورت مادی آن نیست و عوامل غیرمادی در انتخاب شغل فرد دخیل‌اند و فرد صرفاً برای انگیزه مالی فعالیت ندارد. هر فردی نیاز دارد که شغلی را انتخاب کند که علاوه بر نیاز مادی به لحاظ معنوی هم پاسخگوی فرد باشد. اغلب هدف فرد از کار و اشتغال در راستای خیر جمعی و مردم‌مداری و برای کمک به دیگران است. به عبارت دیگر می‌توان گفت هدف فرد یاری و آموزش‌رسانی به دیگران است و بیشتر از منابع انگیزشی مادی از منابع غیرمادی بهره می‌جوید و در راستای خیر و نفع جمعی تلاش می‌کنند. سوگند می‌گوید:

«کمتر تو دید باشی و جلب توجه کنی.. علتی که میخواستم معلم بشم یکی این بود که خیلی یاد گرفتن رو دوست دارم و یکی اینکه یاد دادن رو دوست دارم.. چون چی بهش میگن، استعداد یا توانایی، نمیدونم... ولی من میتونم اطلاعات رو منتقل کنم و حتی اگه یکلمه بلد باشم میتونم منتقل کنم چون چندین نفر بهم گفتن خوب میتونی مفهوم رو برسونی، همیشه دوست داشتم معلم بشم.. رفتم تجربی دیدم تجربی، دیدم دبیری زیست و شیمی خیلی دوست دارم ولی متاسفانه خیلی سخت میگیرن، نتونستم... حالا اقتصاد که اومدم می‌خوام دبیر اقتصاد بشم و قرار نیست برم تو بانک کار کنم، چون توی دید هستم و نمیتونم اونجوری خودمو رشد و گسترش بدم.. اینجوری محدود میشم و چیزی برای رشد من وجود نداره.. ولی وقتی معلم میشی یه نفر که موفق میشه خودت انگاری پروبال بهت دادن و خیلی حس خوبیه».

پیامدها

نتیجه و ثمره راهبردهایی که کنشگران آنها را در مواجهه با شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پدیده مرکزی اتخاذ می‌کنند را می‌توان همان پیامد دانست. از جمله پیامدها تقدیرگرایی شغلی است. هرچه بی‌برنامگی و عدم شناخت از بازار کار در فرد بیشتر باشد و فرد به سرنوشت اعتقاد داشته باشد به همان میزان تقدیرگراتر شده و تلاشی در جهت اشتغال و ارتقای شغلی خود ندارد. فرد مبنای زندگی خود را به جای برنامه، تدبیر و شناخت زندگی و بازارکار بر روی سرنوشت و تقدیر بنا می‌کند و خود به صورت منفعل در انتظار چیزی است که سرنوشت برای او مقدر کرده است. از آنجا که فرد دورنمای روشنی برای آینده‌ی شغلی خود نمی‌بیند، خود را به‌دست سرنوشت می‌سپارد. میثم می‌گوید:

«هیچ برنامه‌ای برای آینده شغلیم ندارم.. دیگه بریم که خدا ان‌شالله خودش همه چیو درست میکنه».

از دیگر پیامدها منابع حمایتی چندگانه می‌باشد. مسلماً خانواده تمایل به استقلال مالی فرزند خود دارند و خواهان آن هستند که در زمینه مالی موفق باشند. اما این موضوع به این معنا نخواهد بود که دیگر از فرزند خود حمایتی به عمل نمی‌آورند بلکه به صورت اصولی و برنامه‌ریزی شده فرزندان خود را مورد حمایت قرار می‌دهند و این حمایت می‌تواند به اشکال مختلف بروز یابد. با توجه به شرایط نابه‌سامان بازار کار نوجوانان و جوانان به راحتی نمی‌توانند خود را با شرایط موجود وفق دهند و مسلماً خانواده نیز از این بابت مطلع بوده و سعی در حمایت‌های

کم و بیش از فرزندان خود دارند. بطور کلی نسل حاضر به لحاظ رسیدن به استقلال و شرایط موجود قابل مقایسه با نسل‌های پیشین نیست و نیاز به حمایت همه جانبه دارد. یلدا می‌گوید:

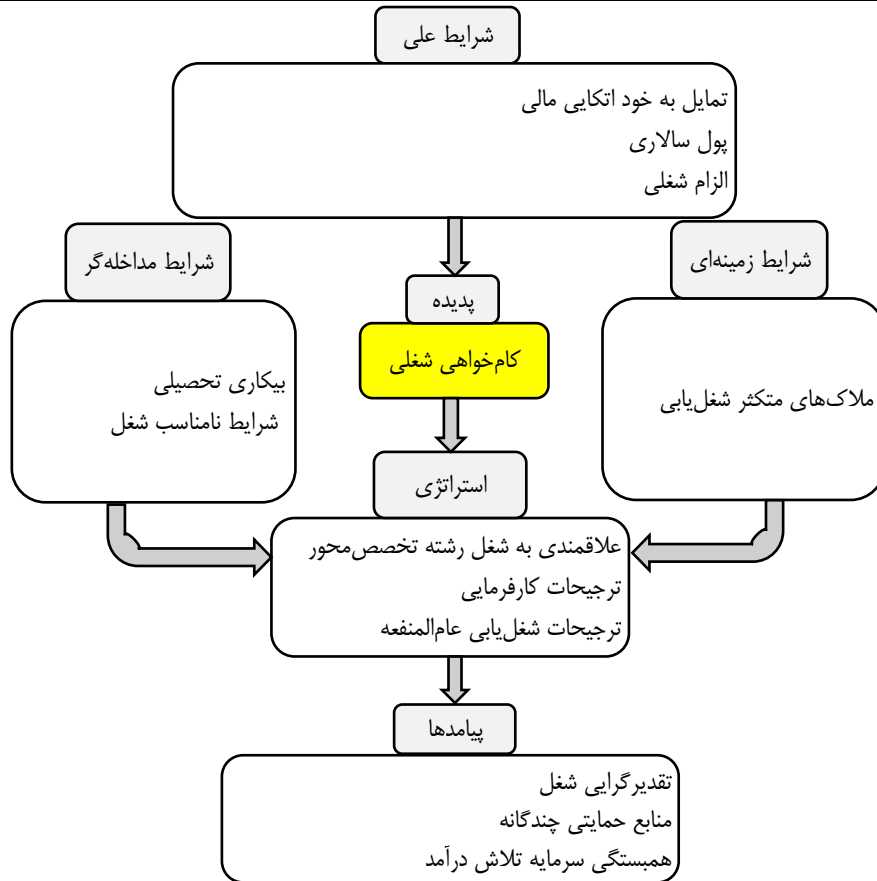
«درآمد یه وقتایی زینتی درست کنم یا خیاطی کنم شاید بهم هزینه بدن ولی خرج عمده با خانواده‌س».

و در نهایت آخرین پیامد تحقیق پیشرو می‌توان به همبستگی سرمایه تلاش درآمد اشاره کرد. اگرچه در نسل‌های پیشین تمایل به مشاغل دولتی بالا بوده است اما در حال حاضر با توجه به نیازهای نسل جدید تمایل به کسب و کار آزاد و عملیاتی‌سازی ایده و علایق خود در فهرست اول جوانان و نوجوانان قرار دارد. با توجه به اینکه مشاغل دولتی حالت منفعل داشته و پیشرفت شغلی آنچنانی ندارند. در همین راستا آنان معتقد به بازار خصوصی و آزاد هستند و باور دارند که با وجود سرمایه و تلاش می‌توان ایده‌های خود را عملیاتی‌سازی کرد و کسب و کار خود را راه انداخت. اما در این بین نیازمندی به سرمایه‌های کلان را گاهی مانعی برای رسیدن به آرزوهای شغلی خود می‌دانند و اعتقاد به وجود سرمایه کلان برای عملیاتی‌سازی شغل خود دارند. دانیال می‌گوید:

«راحت که میشه شغل پیدا کرد ولی راحت نمیشه پول خوبی درآورد و خیلی سخته.. همه کار سخته دیگه مگه اینکه مثلاً واقعا یه سرمایه داشته باشی که بتونی یه شغل خوب پیدا کنی با حقوق مناسب، حتی اونوی که بلاگره توی اینستا یه سرمایه داشته که الان داره میلیارد میلیارد درمبار، قبلش یه سرمایه گذاشته دیگه، هرکسی سرمایه خوب داشته باشه بالاخره شغل خوبی هم پیدا میکنه».

مدل پارادایمی

جریان فرایندهایی که در بخش یافته‌ها ارائه شده است را می‌توان به صورت مدل پارادایمی به تصویر کشید. مدل پارادایمی نشان‌دهنده جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است. این مدل پنج قسمت دارد؛ شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها. در میانه مدل نیز پدیده مرکزی قرار گرفته است که فعالیت‌ها حول آن شکل می‌گیرد. جریان فرایندها و فعالیت‌هایی که در بستر این تحقیق اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد که پدیده مرکزی در مقوله پنجم، «کام‌خواهی شغلی» بوده است؛ بدان معنا که تجربه مشارکت‌کنندگان از پول‌سالاری، الزام شغلی، و خوداتکایی مالی، منجر به کام‌خواهی شغلی می‌شود. به عبارت دیگر، پدیده مرکزی تحقیق که مشارکت‌کنندگان با آن مواجه شده و به آن واکنش نشان داده‌اند، مسئله کام‌خواهی شغلی (به صورت عینی و ذهنی)، از بستر پول‌سالارانه جامعه و الزام اشتغال جوانان نشأت گرفته است.



مدل شماره ۱: مدل پارادایمی پژوهش

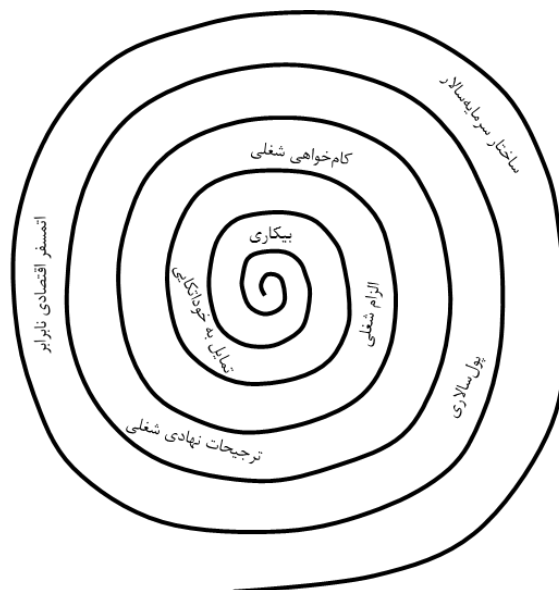
بحث و نتیجه‌گیری

اقتصاد در زندگی روزمره انسان ایرانی نقش پررنگی دارد و پیامدهای نوسانات اقتصادی زندگی وی را سخت و تا حد زیادی غیرقابل پیش‌بینی کرده است. در سال‌های اخیر به‌واسطه مسائل اقتصادی/سیاسی پیش‌آمده در سطح ملی و بین‌المللی، تورم و افت ارزش پول ملی، به بحث‌های همیشگی گروه‌های خانوادگی، و دوستی و حتی دانشگاهی و ... تبدیل شده است. به‌همین دلیل دغدغه‌های اقتصادی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های افراد تبدیل شده است. این امر در کنار واقعیتی دیگر پررنگ‌تر شده است. در طول چند دهه اخیر جمعیت جوان در کشور با فرایند رو به رشدی مواجه بوده و کشور با پدیده‌ی جوانی جمعیت روبه‌رو شده است. این وضعیت، اهمیت دغدغه و مسائل پیش‌روی جوانان بخصوص اشتغال را دوچندان می‌کند. عدم توجه به اشتغال باعث رویارویی با پدیده‌ی بیکاری در جوانان گشته و مسائل و آسیب‌های فراوانی در پی خواهد داشت. از ابتدای بشریت تا کنون فعالیت و اشتغال نقش اساسی در جامعه داشته و بنیان و اساس

بسیاری از امور دیگر همچون ازدواج، فرزندآوری و ... بوده است. اهمیت نقش شغل، درآمد و ثبات اقتصادی بر کسی پوشیده نیست، بطوری که می‌توان گفت وضعیت اشتغال هر فردی تا حدی بازگو کننده موقعیت هر فرد در جامعه است.

در این میان، به واسطه تغییر و تحولات ارزشی، افراد بیش از پیش با نیازهای مادی روبه‌رو شده و این نیازهای مادی موتور محرکه افراد برای یافتن پول/شغل شده است. شغلی که دیگر به آسانی در دسترس نیست، در این میان شکافی بزرگ بین رشد ارزش‌های مادی در بین افراد همزمان با کاهش دسترسی به پول در حال رخ دادن است. از سوی دیگر، می‌توان گفت با توجه به عدم انطباق ظرفیت بازار کار با حجم نیروی کار، مسئله اشتغال جوانان را با بحران مواجه ساخته است. بطور کلی کشور ما با جمعیتی از بیکاران روبه‌رو بوده که خیل عظیمی از آن را فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاهی تشکیل می‌دهد. از این رو با توجه به اهمیت اشتغال در این قشر با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای سیستماتیک، مصاحبه‌هایی با جوانان دانشجوی نورورد به دانشگاه ۱۸ تا ۱۹ سال صورت گرفت و داده‌ها ابتدا در قالب کدگذاری باز تبدیل به مقولات فرعی و اصلی شدند. و در پی آن مرحله کدگذاری محوری، مقولات مستخرج در قالب مدل پرادایمی ارائه شدند.

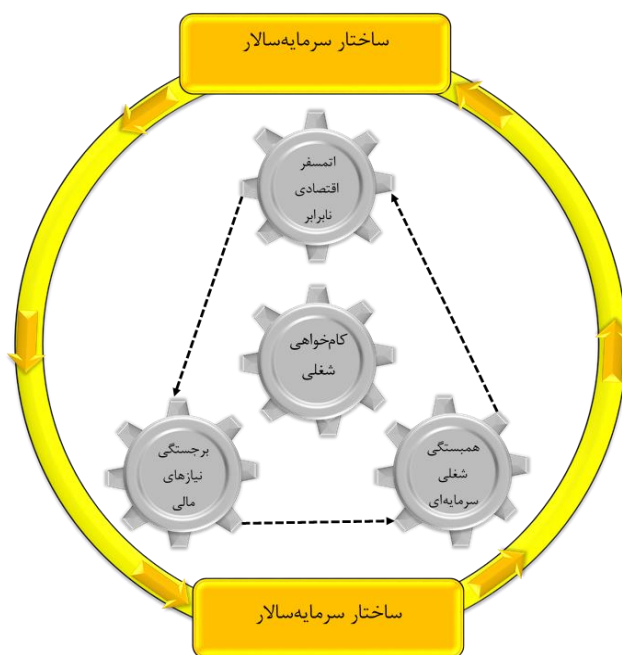
در این مسیر سعی شد از ماتریس شرطی پیامدی استفاده شود تا سطوح گوناگون شرایط و پیامدها را بررسی کند. همانطور که در مدل شماره ۲ مشخص است شرایط و پیامدها از سطوح فردی و نهادی به سوی سطوح کلان و سیستماتیک حرکت می‌کنند و فرایندهای کلان مبتنی بر نابرابری را نشان می‌دهد.



مدل شماره ۲: ماتریس شرطی پیامدی

در مرحله دیگر تحت عنوان کدگذاری گزینشی نیز سعی شد یافته‌های اصلی پژوهش در قالب نظریه داده بنیاد (نظریه تجربی) در مدل شماره ۲ ارائه شود. در واقع، داده‌های موجود بعد از کدگذاری باز و محوری، در مرحله کدگذاری گزینشی در جامع‌ترین و انتزاعی‌ترین شکل ممکن بر ساخت شدند.

همان‌طور که در مدل شماره ۳ هویدا است، کام‌خواهی شغلی در قلب مدل قرار دارد. این امر بیان‌کننده این واقعیت است جوانان برای دستیابی به نیازهای مادی و ارزش‌های مادی به دنبال شغل‌یابی هستند. و انتظارات و توقعات نسبتاً بالایی از شغل و برآیندهای مالی آن دارند. اما با این حساب شغل‌یابی و کام‌خواهی شغلی آنها در میان چرخ‌دنده‌هایی قرار گرفته است که آن را محدود/کنترل می‌کند. آنها به‌خوبی می‌دانند که در حیات و اتمفسری زندگی و آرزو می‌کنند که مبتنی بر نابرابری است. در عین حال نیازهای مالی آنان برجستگی یافته است و به‌نوعی تبدیل به یکی از مهم‌ترین نیازهای زندگی آنان شده است. این امر البته در کنار واقع‌بینی آنها نیز قرار گرفته است. آنها می‌دانند که رسیدن به شغل بیشتر از هر چیزی منوط به داشتن مالکیت سرمایه‌ای است. در واقع آنان آگاهانه/ناخودآگاه می‌دانند که در میدان اقتصادی بدون مالکیت سرمایه‌ای مناسب نمی‌توانند شغلی با برآیند مالی/اجتماعی/منزلی مناسب به‌دست آورند. در این میان شایان ذکر است که تمام این وضعیت در ساختاری رخ می‌دهد که مبتنی بر پول‌سالاری است. این امر آرزوها و آمال آنان سخت تحت تاثیر قرار می‌دهد.



مدل شماره ۳: نظریه تجربی پژوهش

منابع

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۶). **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، جلد دوم، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). **مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیگدلی، زاهد، طاهرزاده موسویان، سیده صدیقه، و شاهینی، شبنم. (۱۳۹۶). میزان امیدواری دانشجویان رشته کتابداری به کاربایی بعد از فراغت از تحصیل. **توسعه اجتماعی**، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱۵۵-۱۸۲.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خواجهنوری، بیژن، روحانی، علی، هاشمی، سمیه، (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز)، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۲۳، شماره ۳، صص ۱۴۱-۱۱۶۶.
- رضوی، سیدمحمدحسین، برومند، محمدرضا، عظیمی دلارستانی، عادل. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت امید به اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته تحصیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی. **مطالعات مدیریت ورزشی**، سال ۱۲، شماره ۶۱، صص ۱۹۰-۱۷۱.
- روحان، علی، تقی‌زاده، رضا، کریمی منجرموئی، حسن. (۱۴۰۰). بورس، آرزوهای محقق؛ یک مردم‌نگاری انتقادی. **جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۰۲-۲۷۹.
- سعیدی‌رضوانی، محمود، محمدحسین‌زاده، معصومه، باغگلی، حسین. (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی و تحصیلی دانش‌آموختگان رشته مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل موثر بر آن. **فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی**، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۵۷-۸۶.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۱). **راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل**. تهران: رشد.
- صادقی، رسول. (۱۳۹۱). تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره‌ی جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی، **مطالعات راهبردی زنان**. سال ۱۴، شماره ۵۵، صص ۱۵۰-۹۵.
- صادقی، رسول، و شکفته‌گوهری، محمد. (۱۳۹۶). مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران. **برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**. سال ۸، شماره ۳۰، صص ۱۴۲-۱۷۵.
- معمارپور، مهتاب، بذرافکن، لیلا، موسوی، احسان، وثوقی، مهرداد. (۱۳۹۲). عوامل موثر بر انتخاب رشته تحصیلی در دانشجویان دندانپزشکی، **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی**، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۲۶۹-۲۶۰.

هدایتی، زهره، سیفی، نسیم، حکمت‌فر، سمیه، بدخش، سمانه. (۱۳۹۱). دیدگاه دانشجویان رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی خود. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۷۶-۱۸۳.

هرندی، فاطمه، و فلاح محسن‌خانی، زهره. (۱۳۸۶). اشتغال جوانان و چالش‌های آن. *رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۵، صص ۱۳۳-۱۴۶.

یاوری، مجید. (۱۳۹۲). عوامل موثر در انتخاب شغل در صنعت گردشگری، *مجله اقتصاد*، سال ۱۳، شماره ۷ و ۸، صص ۸۹-۱۱۰.

علی‌مندگاری، ملیحه، بی‌بی رازقی نصرآباد، حجیه، و بختیاری، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی نظام ترجیحات شغلی جوانان و عوامل مرتبط با آن در شهر اصفهان. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۹۹-۱۲۸.

Aamodt, P. O. (1995). "Floods, bottlenecks and backwaters: An analysis of expansion in higher education in Norway", *Higher Education* 30(1): 63-80.

Breen, R. (2005). "Explaining cross-national variation in youth unemployment market and institutional factors", *European Sociological Review* 21(2): 125-134.

Cakal, H., Keshavarzi, S., Ruhani, A., & Dakhil-Abbasi, G. (2021). Workplace violence and turnover intentions among nurses: The moderating roles of invulnerability and organizational support—A cross-sectional study. *Journal of clinical nursing*. Online publishing 2021.

Creswell, J. W. (2007). *Qualitative Inquiry & Research Design*, Second Edition, California: Sage Publication Ltd.

Fryer, D. (1995). "Labor-market disadvantage, deprivation and mentalhealth-benefit agency", *The Psychologist*, 8(6): 265-272.

Gallie, D., Felstead, A., Green, F., (2012). Job preferences and the intrinsic quality of work: the changing attitudes of British employees 1992_2006. *Journal Work, Employment and Society*, 26(5): 806_821.

González-Val, R., and M. Marcén. (2015). "Regional unemployment, marriage, and divorce", Working paper, (No. 2015/38). *Institut d'Economia de Barcelona (IEB)*.

Hashimoto, Y., and A.Kondo (2012). "Long-term effects of labor market conditions on family formation for Japanese youth", *Journal of the Japanese and International Economies* 26(1): 1-22.

Hong, Ph. Y., Lewis, D., & Choi, S. (2014). Employment hope as an empowerment pathway to self-sufficiency among exoffenders. *Journal of Offender Rehabilitation*, 53(5): 317-33.

Hong, Ph. Y., Polanin, J. R., & Pigott, T. D. (2012). Validation of the employment hope scale: Measuring psychological self-sufficiency among low-income jobseekers. *Research on Social Work Practice*. 22(3): 323-32.

- Jahoda, M. (1984). "Social institutions and human needs: A comment on Fryer and Payne", **Leisure Studies**, 3, Pp. 297-299.
- McDonald, P. (2006). "Low fertility and the state: The efficacy of policy", **Population and Development Review**, 32(3): 485-510.
- McDonald, P., and A. Evans. (2002). "**Family formation and risk aversion**", Paper Presented at the NLC Workshop, 17-18 May 2002.
- Myatt, A., and D. Murrell. (1990). "The female/male unemployment rate differential", **Canadian Journal of Economics** 23(2): 312-322.
- Roberts, K. (2004). "School-to-work transitions: Why the United Kingdom's educational ladders always fail to connect", **International Studies in Sociology of Education** 14(3): 203-216.
- Sare, L., Bales, S., & Neville, B. (2012). New academic librarians and their perceptions of the profession. **Journal of Portal: Libraries and the Academy**, 12(2): 179-203.
- Schaller, J. (2013). "For richer, if not for poorer? Marriage and divorce over the business cycle", **Journal of Population Economics**, 26(3): 1007-1033.